

# شعر فیما از سنت تا تجدد

مجتبی سامع

خانم ابری است:

(شعر فیما از سنت تا تجدد)

تألیف: دکتر تقی پورنامداریان

انتشارات سروش - ۱۳۷۷

چاپ اول - ۴۰۱ صفحه

۳۷۳

از لحظه‌ای<sup>۱</sup> که فلسفه پوزیتیویسم<sup>۲</sup> رابطه انسان و ماوراء را مردود اعلام کرد و میان علوم و فلسفه و تاریخ جدایی افکند و برای فرآیند رشد شعور بشر، دوره دیگری را تصور و پیشنهاد کرد، تا اکنون، تمدن غربی از داخل و خارج مرزهای جغرافیایی خود شاهد واکنش‌های مثبت و منفی متعددی به این طرح و منش خود بوده است.

مکتب تاریخ‌نگاری «آنال»<sup>۳</sup> (Analle) یکی از آن مخالف خوانی‌ها و مغایراندیشی‌های قابل توجهی است که در فرانسه در حوزه علوم انسانی، نسبت به این جریان غالب پوزیتیویستی شکل گرفت.

شاید، «مکتب تاریخ‌نگار کل‌نگر» ساده‌ترین تعریف این جنبش باشد. به دیگر سخن، بررسی همبسته اقتصاد و سیاست و ادبیات و علم و فلسفه و هنر و دین در یک دوره، و کشف رابطه افکار فردی و شعور جمعی، و بالعکس در همان دوره و همچنین نگارش «تاریخ روانشناختی» و یا «روانشناسی تاریخی» از جمله مواردی است که در آغاز، منظور نظر این جنبش بود و تاکنون با همین روش، آثار بسیار ارزنده‌ای را در حوزه فرهنگ و تاریخ‌نگاری پدید آورده‌اند.

اما متأسفانه در ایران، در حوزه پژوهش‌های فرهنگی، این نوع روش و نگرش، نه تنها عملاً تحقق نیافته، بلکه حتی هنوز هم معرفی جامعی از این مکتب به زبان فارسی در دست نداریم. اگر چنین نگرشی در ایران مورد توجه قرار می‌گرفت، هم در عمل تا حدود زیادی از «تولید» کارهای کم محتوا و شتابزده در امان می‌ماندیم و هم در نظر، دیگر آن روش‌های سنتی و

مستعمل گذشته و حتی پوزیتیویستی امروز را آنقدر راهگشا و منتهی به حقیقت تصور نمی‌کردیم.

برای نمونه اگر در حال حاضر، با پشتوانه همان نظریه‌های سنتی قرار بود شخصیت و آثار نیمایوشیج (۱۳۳۸ - ۱۲۷۶) بررسی شود، بی‌گمان منتقد ادبی با برش ادبی و مورخ با برش تاریخی و روانشناس با برش روانی، شخصیت وی را لایه - لایه می‌کردند و حاصل پژوهشان را مغرورانه، چونان کلید بازکننده قفل‌های شخصیت نیما، ارائه می‌کردند. در حالی که حتی تجزیه و تحلیل یک قطعه از اشعار او هم بی‌نیاز از دید کل‌نگر تاریخی - ادبی - روانشناختی - جامعه‌شناختی نخواهد بود.

با این حال در بین آثاری که امروزه منتشر می‌شوند، جسته - گریخته به نمونه‌هایی برمی‌خوریم که پیداست تا حدودی - و بیشتر به اندازه وسعت معلومات مؤلف - می‌خواهند این کل‌نگری را تحقق بخشند.

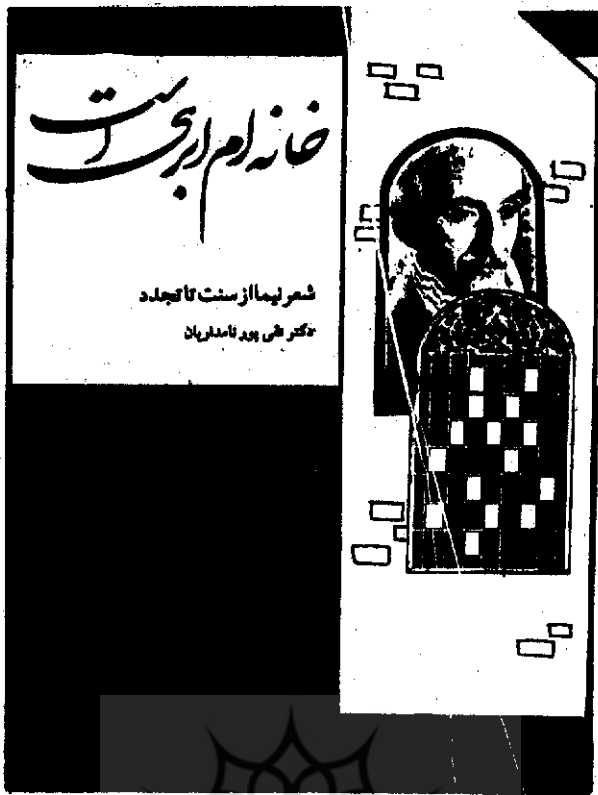
یکی از آثاری که اخیراً در حوزه پژوهش‌های ادبی منتشر شده و بیش - و - کم در همین راه گام برداشته، کتابی است با عنوان: خانه‌ام ابری است (شعر نیما از سنت تا تجدد) به قلم دکتر تقی پورنامداریان. کتاب از یک مقدمه و شش بخش اصلی تشکیل شده است، به این ترتیب: ۱ - مقدمه ۲ - نگاهی گذرا به زندگی نیما یوشیج ۳ - صورت و محتوا در شعرهای نیما ۴ - مسئله زبان در شعرهای نیما ۵ - مسئله معنی در شعر کهن و شعر آزاد نیمایی ۶ - شعرهای برگزیده ۷ - تفسیر و تأویل شعرها.

در آخر کتاب هم مآخذ و یادداشت‌ها و فهرست نام شعرها و فهرست عام اعلام متن و حواشی، اضافه شده.

مؤلف، کتاب خود را با درآمدی زبان‌شناسانه و با ارجاع به نظریه یاکوبسن (۱۹۸۲ - ۱۸۹۶) شروع می‌کند.

سپس با نگاهی منتقدانه - زبان‌شناسانه، نظریه ادبی و شعر کلاسیک ایران را بطور اجمال ارزیابی می‌کند و شعر کلاسیک ایران را بر سه پایه ۱ - صورت و قالب ۲ - زبان ادبی ۳ - معنی‌داری، استوار می‌داند.

وی در همان مقدمه در رهگذر معرفی طرح کلی کتاب نوشته است: «بخشهای اصلی مباحث این کتاب براساس تغییر و تحول همان سه پایه اصلی، در شعر نیما که اساس تجدد او را نسبت به شعر کهن باز می‌نماید، استوار شده است و کوشش بر آن بوده است که خواننده در مسیر تجربه‌ها و بدعت‌های او از سنت تا تجدد قرار گیرد تا دقیقاً دریابد که نیما از کجا آغاز کرده و به کجا رسیده است و اعتبار و مقام واقعی او در شعر و ادب فارسی در چه حد و مرتبه‌ایست.»



(صص ۲۰-۱۹)

بعد از این مقدمه، مولف زندگینامه‌ای کوتاه اما تحلیل‌گرانه و اندیشه‌ورانه از نیمای ارائه کرده است، بطوریکه بعداً در متن کتاب بارها بصورت مرئی و نامرئی از این زندگینامه سود برده. بخش سوم کتاب هم که در واقع فصل اول پژوهش اصلی این کتاب را در بر می‌گیرد، با عنوان «صورت و محتوا در شعرهای نیمای» و تقسیم شعرهای نیمای به سه بخش: ۱- شعرهای سنتی ۲- شعرهای نیمه سنتی ۳- شعرهای آزاد، تحقیقی است موشکافانه و روشنگرانه در باب سه دوره شاعری نیمای.

از ویژگی‌های جالب توجه این بخش، همان کل‌نگری مؤلف است، با گرایش غالب نقد ادبی - زبان‌شناسی.

دکتر پورنامداریان مهمترین شعرهای این سه دوره شاعری نیمای را با ذکر تاریخ سرودن شعر و ازجای کوتاه و روشنگر به حالات روانی نیمای و اجتماعش و همچنین تاریخ سیاسی آن روزگار، در حوزه صورت و محتوا مورد تأمل قرار داده.

بخش چهارم کتاب با عنوان «مسئله زبان در شعرهای نیمای» اختصاص یافته است به پژوهش دقیق و ویژگی‌های زبانی شاعر در سه دوره مختلف شاعری اش.

در همین بخش در قسمت «تصرفات زبانی» مؤلف با بر شمردن نمونه‌های کافی از اشعار شاعر، گره بسیاری از عبارات مبهم و کاربردهای خاص افعال و ضمایر را در عرف شعری نیمای،

می‌گشاید و پرتوی تازه بر شعر وی می‌افکند.

سپس در ادامه اسباب و علل این هنجارگریزی زبانی نیما را بصورت مستدل ذکر می‌کند. بخش پنجم کتاب، با عنوان «مسئله معنی در شعر کهن و شعر آزاد نیمایی» به گمان نویسنده این مقاله، جذاب‌ترین، آموزنده‌ترین، و بدیع‌ترین بخش کتاب است.

از نکات قابل توجه همین بخش، آنجایی است که مؤلف با ارائه فشرده‌ای از نظریه‌های متفکران و منتقدان غربی در باب هرمنوتیک (Hermeneutics) و اشاره به اختلاف نظر آنها، دلایل رجحان یک گروه بر گروه دیگر را بیان می‌کند و سپس اندیشه شخصی خود را در این باب ارائه می‌دهد (صص ۲۱۷-۲۰۷).

بخش ششم کتاب هم شامل گزیده‌ای از اشعار نیماست که از ۱۳۱۶ ش به بعد سروده شده (= دوره شعرهای آزاد نیما).

هفتمین یا آخرین بخش کتاب هم تأویل و تفسیر دوازده شعر نیما را در بر می‌گیرد. اشعاری که هم در حیات شعری شاعر از اهمیت شایان توجهی برخوردارند و هم از لحاظ زبانی و معنایی نکات مبهم فراوانی دارند که کوشش در خور ستایش مؤلف در این بخش بر آن بوده است که این ابهامات را برطرف کند.

این فشرده‌ای بود از طرح کلی کتاب. فقط می‌ماند یکی دو مسأله و نکته که در حین خواندن این کتاب بر ذهن نویسنده این مقاله گذشته است و اکنون بجا می‌بیند که در آخر این معرفی، مطرح کند تا اگر مؤلف محترم از مسأله‌ای از آن مسائل سهواً غفلت کرده و در خور توجه می‌دانسته، در چاپ بعدی به آن توجه کند.

اول این که در جای جای کتاب، نیما چونان چهره‌ای سنت‌شکن و نوآور تصویر شده، که بی‌شک با در نظر گرفتن نسبت وی با ادبیات کلاسیک فارسی و با توجه به استدلالات ادبی - زبانشناختی مؤلف، در این کلام جای هیچ‌گونه شبهه و ایرادی باقی نمی‌ماند، لکن پرسش اینجاست که چرا نسبت و موضع وی در برابر فرهنگ و تمدن غربی یا به بیان دیگر، مدرنیته روشن نشده است؟

در این که نیما نسبت به پشت سر خود (= ادبیات کلاسیک ایران) سنت‌شکن بود جای هیچ‌گونه تردیدی نیست، اما آیا وی نسبت به فرهنگ پرتحرک و نوآور و تراژیک غرب، موافق بود یا مخالف و یا محافظه‌کار؟

در کتاب ایران در قرن بیستم که ترجمه فارسی آن اخیراً منتشر شده و حاصل کار سه تن از مستشرقان اروپایی است درباره نیما چنین آمده: «... پادشاه جهانی شدن در جنبش معکوس آن قرار دارد که به سوی ایران پرعمق و مایه، فولکلور آن، بازگشت به گذشته (از طریق رمانهای

تاریخی) و تأکید بر هسته ناشکستی ایرانیّت متوجه است. که هیچ عاملی در هیچ زمان قادر به نابود کردن آن نیست. در میان کسانی که این شیوه را اختیار کردند، نیما یوشیج با نشان دادن مکرر ستهای شبانی در کوه‌های شمال ایران و با وام گرفتن از گویش مازندرانی راه را نشان داده است.<sup>۲</sup>

در واقع سؤال اینجاست که آیا این استدلال درباره نیما پذیرفتنی است یا نه؟  
مسأله دوم این که پژوهشگر ارجمند در بخش سوم کتاب، درباره دلایل عدم توفیق دیگران در سنت‌شکنی کامل و همچنین روشنگری پیرامون کیفیت نوآوری نیما نوشته است: «در بعضی از غزلهای عرفانی، بخصوص غزلهای مولوی که حاصل لحظه‌های مجذوبیّت و ناآگاهی اوست، رکن معنی‌دار بودن، حداقل در محدوده همان انتظاری که قدما از معنی داشتند حذف می‌شود، اما این سنت‌شکنی غیرارادی، به سبب حفظ رکن اول سنت یعنی خصوصیات صوری شعر، چندان نمودی پیدا نمی‌کند که مخالفت دیگران را برانگیزد» (ص ۳۲) حال مسأله اینجاست که اگر غزلیات مولوی محصول لحظه‌های مجذوبیّت و ناآگاهی شاعر است و سنت‌شکنی و سرایش وی «غیرارادی» بوده، پس چگونه وی در همان حال، صورت و سیاق سنتی شعر را رعایت می‌کرده است؟

البته با تذکر این نکته که این پرسش هرگز به معنی نفی حالات عارفانه مولوی نیست؛ بلکه بحث بر سر این مسأله است که آیا بطور کلی امکان مقایسه نیما و مولوی، حتی در امر سنت‌شکنی وجود دارد؟ آیا نمی‌توان گفت که مولوی چون متعلق به دورانی بود که روح غالب فرهنگ زمانش اسلامی - عرفانی بود، وی در صورت شعر به اقتضای شعری عرب رفته بود و در معنی در ادامه همان سنت اسلامی - عرفانی - ایرانی؛ و نیما که متعلق به دوران کیهانشناسی (Cosmology) بعد از نوزایش (رنسانس) بود در صورت شعر به اقتضای غرب رفته بود و در معنی به مسائل ذهنی - روانی - اجتماعی - طبیعی مورد علاقه‌اش پرداخته بود؟<sup>۵</sup>

به بیان دیگر آیا این دو انسان که متعلق به دو روح زمان و دو جهان‌نگری کاملاً متفاوت از همدیگرند، در مسأله سنت‌شکنی، امکان مقایسه با یکدیگر را پیدا می‌کنند؟

مسأله آخر هم این که مؤلف در بخش آخر کتاب، بخش تفسیر و تأویل شعرها، برای هر یک از آن اشعار مورد نظر، شرح و تبیینی بدیع و روشنگر ارائه کرده است و همه آن نقد و شرح و تحلیل‌ها را زیر دو عنوان «تفسیر و تأویل» جمع کرده.

اما ای کاش در مقدمه این بخش هم مراد خود را از تفسیر و تأویل، بطور اجمال بیان کرده بود، تا خواننده سر درگم نشود که آیا منظور از تأویل همان Hermeneutics است و مراد از تفسیر Interpretation و یا بالعکس؟ و یا این که تفسیر معادل Exegesis است و تأویل مترادف با آن.

علاوه بر این ای کاش مؤلف در مقدمهٔ این بخش هم بطور اختصار نظر شخصی خود را در باب هرمنوتیک بیان کرده بود و این توضیح را هم به آن اضافه می‌کرد که در تأویل یا هرمنوتیک این اشعار به نظریه‌های گادامروریکور نظر دارد و نه فی‌المثل به اشلاّیر ماخرو دیلتای.

و سرانجام سخن آخر این که دکتر تقی پورنامداریان، پژوهشگر، اندیشه‌ور و منتقد ادبی برجسته، این بار هم با ذهن و زبان پاکیزهٔ خود و با وسعت معلومات و دقت نظر در امر تحقیق، مانند کارهای ارجمند گذشته‌اش، اثری متقن و راهگشا و کم‌نظیر در زمینه ادبیات معاصر ایران منتشر کرد که به جرأت می‌توان گفت تقریباً هیچ علاقه‌مند و حتی اهل فنی از داشتن آن بی‌نیاز نخواهد بود.

آذرماه ۱۳۷۷

منابع:

۱- واژه «لحظه» در این نوشته در مفهوم فلسفی آن بکار رفته، برای آگاهی بیشتر نک: جمیل صیلبا، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دژه بیدی، تهران، حکمت، ۱۳۶۶، صص ۵۵۲-۵۵۱

۲- برای آگاهی اجمالی و روشن از «پوزیتیویسم»:

۳۷۸

See: «Positivism» in: The Concise Encyclopedia of Western Philosophy and Philosophers, Ed by:

J. O. Urmson and Jonathan Rée, Routledge, 1996, pp: 253 - 256

۳- برای آشنایی با مکتب آنال نک: الف)، هاستیوارت هیوز، راه فرو بسته، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۳، صص ۵۸-۱۷

ب) علیرضا منافزاده، «سرچشمه‌های تحولی شگرف در شیوهٔ تاریخ‌نگاری (دربارهٔ مکتب آنال)»، نگاه‌نو، شماره ۲۹-۲۸

ج) فرنان برودل، سرمایه‌داری و حیات مادی، ۱۸۰۰-۱۴۰۰، ترجمه بهزاد باشی، با مقدمه‌ای از پرویز پیران، تهران، نشرنی، چاپ اول ۱۳۷۲، صص: یازده-چهل‌وسه

۴- ژان پیردیگار، برنارهوکاد، یان ریشار، ایران در قرن بیستم، ترجمه عبدالرضا (هوشنگ) مهدوی، تهران، نشر البرز، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۴۹۷

۵- برای آگاهی از سیر تکوین اندیشه بشر و تفاوت کیهانشناسی و به تبع آن شعر و ادب قدیم و جدید منابع زیر سودمند است:

۱- هرمن رندال، سیر تکامل عقل نوین، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم ۱۳۷۶، دو جلد

علاوه بر اینها داریوش آشوری هم در مقاله کوتاه و جذابی تفاوت جهان‌نگری نیما و شاعران کلاسیک (بویژه حافظ) را مورد تأمل قرار داده: داریوش آشوری، شعر و اندیشه، نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۳، صص ۹۳ - ۸۲

Monthly

**GOZARESH**

ISSN 1021 - 450 X

**گزارش** مجله

سیاسی، اقتصادی، علمی و اجتماعی

در هر نقطه‌ای از دنیا تنها با یک فاکس یا تماس با:

E.MAIL: GOZARESH @ WWW. Dci. Co. IR

می‌توانید تقاضا کنید یک نسخه از مجله گزارشش برایتان به رایگان ارسال شود. پس از مطالعه در صورت تمایل فرم اشتراک گزارشش را تکمیل و به نشانی پستی مجله ارسال فرمایید و به جمع خیل عظیم مخاطبان فرهیخته این نشریه بپیوندید.

## فرم اشتراک ماهنامه گزارش

اینجانب: ..... فارغ التحصیل رشته: ..... مسئولیت فعلی: ..... ارائه دهند تولیدات خدمات

به نشانی: .....

کد پستی: ..... تلفن: ..... فاکس: ..... کد اشتراک قبلی: .....

● درخواست اشتراک ماهنامه گزارش را از شماره ..... به مدت یک سال دارم.

توجه: در صورت تکمیل و ارسال فرم اشتراک از شماره‌های قبل ماهنامه گزارش، پرداخت اختلاف مبلغ براساس تاریخ ارسال ضروری است.

نوع اشتراک	حق اشتراک یکساله
مؤسسات دولتی و ارگانها	۲۵۰۰۰ ریال
افراد	۳۵۰۰۰ ریال
دانشجویان و فرهنگیان	۲۵۰۰۰ ریال
خارج از کشور	۴۰ دلار آمریکا یا معادل ریالی

### لطفاً روی پاکت بنویسید «بخش اشتراک»

توضیحات:

۱- لطفاً وجه اشتراک را به حساب جاری ۱۸۸۸/۱۰ بانک صادرات شعبه ۷۹۰ تهران، شعبه نش گزارش، قابل پرداخت در تمام شعب بانکها، واریز و اصل فیش آن را همراه درخواست اشتراک بوسیله صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۲۶۷ تهران به دفتر مجله ارسال کنید.

● شماره‌های قبلی مجله هر نسخه ۲۰۰۰ ریال به فروش می‌رسد.

۲- علاقمندان به اشتراک در خارج از ایران می‌توانند به دو صورت زیر عمل کنند:

الف- مبلغ اشتراک را به حساب جاری شماره ۲۳-۱۲۴۸۱-۱۰۰۰۰۰۰۰ بانک ملی ایران شعبه

پاریس به نشانی: Telephone: 47.23.78.57 , Telex: 641 506 MELBAN 43, avenue Montaigne - 75008 PARIS

به صورت Multi Cash به نام مجله گزارش واریز و اصل حواله را (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله گزارش، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۲۶۷ تهران - ایران با پست سفارشی ارسال کنند.

ب- معادل ریالی آن را به نرخ روز توسط اقوام یا دوستان خود در ایران به حساب جاری ماهنامه گزارش واریز و فیش آنرا همراه با نشانی کامل (آدرس و مشخصات با حروف بزرگ لاتین) به نشانی مجله ارسال کنند.

نشانی حکایتی برای ارسال مقالات و دریافت نشریه: تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۲۶۷